

اللَّهُمَّ
الْحَمْدُ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M A)

گرایش: زبان و ادبیات عرب

عنوان

ترجمه و شرح موضوعی ادبی سه قصیده ضادیه، میمیه و فونیه از علویات شیخ صالح

الکواز الحلی در رثای امام حسین (ع)

استاد راهنما:

دکتر سیمین ولوی

استاد مشاور:

دکتر سیده زهرا موسوی

پژوهشگر:

سید مهدی گتمیریان

تابستان ۱۳۹۱

تقديم

تقديم به ساحت مقدس سلطان سرير ارتضا، حضرت على بن موسى
الرضا عليه آلاف التحية و الشاء.

سپاس

خالصانه ترین سپاسگزاری ها را به محضر- خانواده گرامی ام و اساتید
والامقام و عزیزم که در سال های علم آموزی ام سخاوتمندانه از شهد
دانش خویش به من نشانند، تقدیم می دارم.

بویژه استاد گران قدر سرکار خانم دکتر ولوی که طی نگارش این
رساله هدایتگرم بودند و زحمات فراوانی را متحمل شدند و استاد با
فضیلت سرکار خانم دکتر موسوی که با سعه ی صدر خویش
مشکلات راه را برایم مرتفع نمودند.

از محضر- خداوند منّان برایشان سعادت، سلامت و اجر عظیم را
خواستارم.

فهرست

| عنوان | صفحه |
|--|------|
| مقدمه | ١ |
| فصل اول : کلیات | |
| ١-١ اهمیت تحقیق | ٤ |
| ٢-١ پیشینه تحقیق | ٤ |
| ٣-١ فرضیه ها | ٤ |
| ٤-١ روش تحقیق | ٥ |
| فصل دوم : زندگینامه و شعر شیخ صالح الکوّاز الحلّی | |
| ١-٢ زندگینامه | ٧ |
| ٢-٢ شعر او | ١٠ |
| فصل سوم : رثاء | |
| ١-٣ تعریف رثاء | ١٢ |
| ٢-٣ انواع رثاء | ١٢ |
| الف) ندب | ١٢ |
| ب) تأیین | ١٣ |

ج) عزاء ۱۳

۳-۳ رثاء الحسين (ع) ۱۴

فصل چهارم : از کینه تا انتقام

۴-۱ نسب بنی هاشم و بنی امیه ۱۷

۴-۲ شروع دشمنی ۱۷

الف) قبل از اسلام ۱۷

ب) بعد از اسلام ۱۹

۴-۳ کینه ی بنی امیه از علی (ع) ۱۹

۴-۴ انتقام از حسین (ع) ۲۱

۴-۵ نحن المحسودون ۲۳

۴-۶ خدا و حکومت الهی در نگاه بنی امیه ۲۴

۴-۷ نگاهی بر طلقاء ۲۵

فصل پنجم : ترجمه و شرح قصاید

۵-۱ مقدمه قصیده ضادیّه ۲۸

۵-۲ ترجمه و شرح قصیده ضادیّه ۲۹

۵-۳ مقدمه قصیده میمیّه ۵۸

۵-۴ ترجمه و شرح قصیده ی میمیّه ۵۹

۵-۵ ترجمه و شرح قصیده ی نونیّه ۱۰۱

فصل ششم : نتیجه گیری و پیشنهاد

نتیجه گیری و پیشنهاد ۱۳۵

منابع ۱۳۶

چکیده انگلیسی

چکیده

شهر حله ی عراق یکی از شهرهای شیعه نشین و شاعرپرور عراق است. شاعرانی ارادتمند به پیامبر گرامی اسلام (ص) و خاندان اطهرش.

یکی از این شعرای دلداده به اهل بیت (ع)، جناب شیخ صالح الكوّاز الحلی است که به جرأت می توان گفت یکی از بزرگترین شاعران شیعی در روزگار خویش است.

با نظری بر اشعار این شاعر بزرگوار، می توان به قدرت علمی گسترده و ذوق سرشار ادبی او پی برد.

بخش اعظمی از اشعار جناب کوّاز را مدایح و مراثی او درباره ی خاندان رسالت تشکیل می دهد که از آن میان، سه قصیده ی مذکور در این رساله از زیباترین قصاید او در رثای سیدالشّهدا صلوات الله علیه می باشد که در این رساله ترجمه و شرح موضوعی - ادبی شده اند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

«أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»

خداوند دوست بدارد هر آنکه حسین را دوست می دارد (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶ق ، ۱۷۷/۳)

سپاس پروردگار عالی مقام را که آن زمان که اراده ی خلقت نمود، ابتدا به نور محمد و آل محمد صلوات الله عليهم نمود و جمله ی کائنات را به یمن این نور آفرید تا همگان را طفیل وجود محمد و آل طاهرینش عليهم السلام قرار دهد. امید آنکه شفیعمان باشند در محضر باری تعالی شأنه.

کربلا نه تنها رستاخیز عشق ، که بر پا دارنده قیامت تاریخی انسان ها و رستخیزِ جانِ مردمِ مرده است. در کربلا ، جهان از هم می گسلد و محشر کبرای الهی بر پا می شود، از آسمان خون می بارد و حتی سُرّادقِ گردون، نگون می گردد؛ اما مانند رستخیز، به تن مردگان، جان می دمد و انسان ها، بر صحنه ی حیات و پهنه ی هستی، از تاثیر آن بر پای می ایستند. بر پای می ایستند تا حسین (ع) را بشناسند و راه او را ، و به سوگ بنشینند تا خود ، حسینی شوند. از اینروی ، واقعه عاشورا افسانه نیست، کارنامه حیات سیاسی یک امت و نیز حیات فلسفی یک جامعه و فلسفه ی حیات یک اجتماع است. واقعه عاشورا قصّه نیست و اگر هست ، تنها قصه ی عشق است. «کز هر زبان که می شنوی نام مکرّر است» سال های مدید است که آن را از هر زبان می شنوی:

از منابر، در مجالس ، تکایا ، محافل ادبی، در کتابها، در مرثی که مردم سینه به سینه باز می گویند...

در حقیقت ، از کلام هر کس که از ستم می خروشد، ندای حسین (ع) می جوشد و ندای سرخ وی، چون پرچمی، بر چکادِ هر قیام، در اهتزاز بوده است و تا قیامت نیز خواهد بود...

از این میان ، شعرا ، این گلبانگ را رساتر خروشیده اند و از ایشان ، هر کس جانمایه ی فریاد خویش را از تولّای حسین (ع) و حماسه سرخ او ، بیشتر سیراب ساخته ، سر سبزتر بر آمده است.

این رساله عرض ارادت‌ی است بس ناچیز به محضر جلیل ابا عبدالله الحسین (ع) و اهل بیت پیامبر گران قدر اسلام علیهم السّلام که در آن سه قصیده ی ضادیه، میمیه و نونیه ی یکی از این شاعران ارادتمند به ساحت حسینی، جناب شیخ صالح الکوّازالحلی را ترجمه و شرح ادبی - موضوعی نموده ام.

در شرح ابیات به ذکر نکات بلاغی و صنایع و محسنات کلامی در حد آگاهی خویش همّت گماشته ام.

از آنجا که این شاعر دلسوخته ی اهل بیت علیهم السّلام، معلومات بسیار گسترده ای بویژه در زمینه ی علوم دینی، تاریخی و تفسیر قرآن دارد لذا به فراوانی در ابیات به مطالب تاریخی، تفسیری و اعتقادی اشاره نموده است و بنده به فراخور مجال این رساله آن ها را بیان داشته ام.

بی شک این رساله خالی از اشکال و ایراد نیست ولی تا حد امکان و توان در ارائه مطلوب آن تلاش فراوان نموده ام.

علاقه و محبت به فرزندان امیرالمؤمنین علی (ع) من را به نگارش این رساله سوق داد، به شوق آنکه اگرچه به قدر ذره ای ناچیز، بتوانم به آستان اباعبدالله الحسین صلوات الله و سلامه علیه، خدمتی کرده باشم که گفت:

در ره او چو قلم گر به سرم باید رفت با دل زخمکش و دیده گریان بروم

«و من الله التوفیق»

سید مهدی گنمیریان

فصل اول : کلیات

- ۱-۱ اهمیت تحقیق
- ۲-۱ پیشینه تحقیق
- ۳-۱ فرضیه ها
- ۴-۱ روش تحقیق

۱-۱ اهمیت تحقیق

این رساله به شرح موضوعی ادبی سه قصیده ضادیه، میمیه و نونیه از علویات شیخ صالح الکوّاز الحلّی در رثای امام حسین (ع) می پردازد. بررسی و شرح این اشعار، علاوه بر این که می تواند نمونه ای برای دیگر پژوهشگران و علاقمندان به حوزه ادبیات آیینی باشد، می تواند معرفی یکی از شاعران خوش ذوق و قریحه شیعی باشد که مدایح و مراثی اهل بیت (ع) را بر پایه مستندات تفسیری، تاریخی و روایی و با بیانی که با محسنات کلامی و آرایه های ادبی مزین شده است، سروده است. مرثیه ای که از این جهات در نوع خود کم نظیر است.

۲-۱ پیشینه تحقیق

پس از جستجوی فراوان در اینترنت و مراجعه به کتابخانه های متعدد، در زمینه شرح این قصاید، کتاب یا رساله ای یافت نشد.

۳-۱ هدف تحقیق

در این رساله به بیان مدایح و مراثی خاندان رسول الله (ص)، از زبان شاعری که خود اشراف کاملی بر منابع تفسیری و تاریخی و روایی دارد پرداخته شده است. بی تردید مطالعه محامد و محاسن و مراثی اهل بیت آن هم با بیانی که نشأت گرفته از یک ذوق ادبی سرشار و در عین حال ذهنی مستند است در برانگیختن شور و احساس شیعی و همراه ساختن آن با شعور علوی تأثیر بسزایی خواهد داشت. همچنین بررسی نکات بلاغی و صنایع ادبی در این اشعار توانایی شاعر را در سرودن شعری زیبا و پر مایه به نمایش می گذارد.

۴-۱ فرضیه ها

- ۱- شیوه و اسلوب شیخ صالح الکوّاز الحلّی در مرثیه سرایی چگونه است؟
- ۲- آیا بیان شاعر در ذکر محامد و محاسن و مراثی آل الله بر پایه مستندات تفسیری و تاریخی و روایی است؟
- ۳- توانایی شاعر در بکارگیری صنایع ادبی و محسنات کلام در شعر به چه میزان است؟

۴- شاعر به چه اندازه توانسته احساسات و عواطف قلبی خود را نسبت به اهل بیت (ع) و مصائب آنان با شعر خود به مخاطب انتقال دهد؟

۵-۱ روش تحقیق

با توجه به این که موضوع انتخاب شده ترجمه و شرح موضوعی ادبی سه قصیده شیخ صالح الکوآز در رثای امام حسین (ع) می باشد و با توجه به قدرت ایشان در استفاده از کلمات و عبارات ادبی، لازم بود برای ترجمه اشعار به امهات کتب فرهنگ لغت و همچنین برای ذکر نکات بلاغی به منابع اصیل بلاغی مراجعه شود. همچنین اشراف شاعر بر مستندات تفسیری، روایی و تاریخی و آوردن آنان با زبان شعر، ضرورت مراجعه به امهات کتب تفسیری، روایی و تاریخی را جهت شرح اشعار ایجاد می نمود که با حضور در کتابخانه های مختلف و همچنین استفاده از منابع مجازی همچون اینترنت و نرم افزارهای جامع این مهم انجام پذیرفت. بنا براین روش تحقیق در این رساله به صورت کتابخانه ای و تحلیلی می باشد.

فصل دوم : زندگینامه و شعر شیخ صالح الکواز الحلی

۱-۲ زندگینامه

۲-۲ شعر او

۱-۲ زندگینامه

ابوالمهدی شیخ صالح بن المهدی فرزند حاج حمزه معروف به شیخ صالح الکوّاز، یکی از شعرای مشهور حله ی عراق است که اصل او به قبیله ی الخضیرات که یکی از خاندان های مشهور شمر در سرزمین نجد و عراق است، برمی گردد.

و مادرش از خاندان آل العذری که خاندانی معروف به فضل و ادب بودند می باشد. صالح الکوّاز در سال ۱۲۳۳ق، دیده به جهان گشود و در سال ۱۲۹۰ق، از دنیا رفت.

این شاعر بزرگوار پنجاه و هفت سال عمر کرد و در نجف اشرف نیز به خاک سپرده شد. او از بارزترین شعرا و ادبای روزگار خویش بود و سرآمد فضایی دوران خویش به شمار می رفت.

(زرکلی ، ۱۹۸۰م ، ۱۹۸/۳ ؛ یعقوبی ، بابلیات ، ۱۳۷۰ق ، ۸۷/۲)

شیخ صالح صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را نزد دایی خویش شیخ علی عذاری و همچنین نزد شیخ حسن فلوجی و سید مهدی بن سید داود خواند و نزد علامه سید مهدی قزوینی فقه و علوم دینی را به پایان رساند. (یعقوبی ، بابلیات ، ۱۳۷۰ق ، ۸۸/۲ ؛ دیوان صالح الکوّاز ، ۱۳۸۴ق ، ۴ ، شبر ، جواد ، ۱۴۲۲ق ، ۲۱۵/۷)

وی کهنه پوش و بسیار اهل سکوت بود و به حرفه ی پدرش، فروش کوزه و ظروف رُسی، اشتغال داشت و به همین جهت به کوزه فروش (کوّاز) شهرت یافت.

علی رغم فقر و تنگ دستی اش دارای مناعت طبع و روحی بزرگ و سرشار از عفت و شرف و کرم بود. او هرگز به دارایی دیگران چشم نداشت و به رزقی که از جانب خداوند برایش مقدر شده بود قانع بود و هرگز از راه شعر کسب درآمد نکرد چرا که او اندیشه های نابش را هرگز به کار نمی گرفت مگر برای اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم و پس از آن برای برخی خانواده های ریشه دار در علم و ادب و مشهور به شرافت و مجد. روزی یکی از مقامات و افراد سرشناس حله از او خواست که ابیاتی را در رثای پدرش برای وی بسراید تا آن را روی سنگ قبر پدرش حکاکی کنند و در قبال

سرودن این قصیده چهل لیره ی عثمانی برای صالح الکواز فرستاد اما جناب کواز از این کار امتناع کرد و این در حالی بود که به شدت تنگ دست و نیازمند به آن پول بود. (زرکلی ، ۱۹۸۰م ، ۱۹۸/۳ ؛ یعقوبی ، بابلیات ، ۱۳۷۰ق ، ۸۹/۲ ؛ یعقوبی ، دیوان صالح الکواز ، ۱۳۸۴ق ، ۵ ، شُبر ، جواد ، ۱۴۴۲ق ، ۲۱۵/۷)

او توانسته بود نرمی و ظرافت را با تقوا و زهد در وجودش خویش جمع کند. او بیشتر شب هایش را به عبادت میگذراند ، به لطافت سخن می گفت ، حاضر جواب و بدیهه گو بود ، و در یکی از مساجد شهر حله امام جماعت بود.

(یعقوبی ، بابلیات ، ۱۳۷۰ق ، ۸۸/۲ ؛

www.alkadhum.org/otherm/mktaba/adab/kawaz/index.htm

صاحب بابلیات گوید :

در فضل و جایگاه ادبی عظیم کواز همین بس که شاعر پر آوازه ی هم دوره ی او ، سید حیدر حلی در کتابش *دمية القصر* در وصف و مدح او این گونه می گوید :

او تواناترین شاعر است و در میان شعرا، تیزترین اندیشه را در به کار گیری مرواریدهای نظم و نثر داراست.

اودر دوران ، یگانه ای است که در برابر قدرت فراوان بلاغتش قلم ها به سجده افتاده اند و فضایی روزگارش به فصاحت او اعتراف نموده اند.

از حاج جواد بذقت که یکی از شعرای مشهور کربلا در عصر صالح کواز است، سوال شد که بهترین شاعری که در رثای امام حسین صلوات الله علیه شعر سروده کیست؟ وی در پاسخ گفت : بهترین شاعر، همان است که در یک بیت، حسین علیه السلام را تشبیه نموده به دو تن از پیامبران اولی العزم (موسی (ع) و عیسی (ع)) و آن کسی نیست بجز صالح کواز در این بیتش که گفت :

كأنَّ جسمَكَ موسىَ مذ هَوَى صَعِقاً و أنَّ رأسَكَ رُوحَ اللهِ مذ رَفَعاً

«گویا بدنت موسی است آن هنگام که بر اثر صاعقه به زمین افتاد و گویا سرت روح الله (عیسی (ع)) است آن هنگام که بالا رفت (به آسمان)»

آوازه ی کواز در عراق گسترده شده بود و مادحین و سخنرانان در مجالس عزای امام حسین (ع) قصائد او را در مورد اهل بیت (ع) ، می خواندند. اشعار او در شهرهای مهم عراق همچون بغداد ، حله ، نجف اشرف ، کربلا و بصره خوانده می شد. (یعقوبی ، بابلیات ، ۱۳۷۰ق، ۹۱/۲؛ یعقوبی ، دیوان صالح الکوّاز ، ۱۳۸۴ ق، ۸-۷؛ شبر ، جواد ، ۱۴۲۲ ق، ۲۱۷)

اما متأسفانه دیوان اصلی او در حال حاضر موجود نیست و آنچه هم اکنون تحت عنوان دیوان ایشان وجود دارد حاصل جمع آوری بخشی از اشعار او است که در کتابخانه های کشور عراق موجود بوده است و آقای محمد علی یعقوبی باتلاش فراوان آنان را گردآوری نموده و او در کتاب بابلیات خود این مطلب را ذکر می کند.

محمد علی یعقوبی گوید :

کواز برگزیده ای از اشعار خودش و اشعار برادرش شیخ حمادی را در دیوانی جمع آوری کرده اما پس از فوتش معلوم نیست این دیوان چه شده است.

و گفته شده که پسر صالح کواز (عبدالله) نیز منتخبی از شعر پدرش را در دیوانی جمع آوری کرده است اما این دیوان نیز گم شده است.

صاحب بابلیات در ادامه می افزاید :

تلاش فراوانی نمودم برای جمع آوری آن مقدار از شعر صالح کواز که برایم مقدر بود از میان کتب خطی مختلف و اشعاری که در کتابخانه های حله و نجف و کربلا و بغداد آن ها را یافتم ، و ثمره اش دیوانی شد که در حدود ۲۰۰۰ بیت را در بر می گیرد. (طهرانی ، ۱۴۰۳ ق، ۵۸۹/۹ ؛ یعقوبی ، بابلیات ، ۱۳۷۰ ق ، ۹۱/۲-۹۰).

۲-۲ شعر او

شعر شیخ صالح از جنبه های متفاوتی قابل بررسی است.

او در خلال شعر خویش (سه قصیده ی مورد بحث) به ترسیم صحنه های قیام حسینی و دلاوری های آن امام مظلوم و یاران باوفایش می پردازد و همچنین به بیان مصائب وارد بر ایشان و بر اهل بیت سیدالشهدا (ع) می پردازد. او همچون یک راوی که خود در صحنه ی پیکار حضور داشته به روایت وقایع می پردازد و همچون یک نگارآن حوادث را به دقت می نگارد و درعین حال از منظر یک ادیب متبحر به آن وقایع می نگرد و از لسان یک دلسوخته ی خاندان رسول آن مصائب را بیان می کند.

شعر وی سرشار از صنایع ادبی و آرایه ها و محسنات بدیعی همچون، مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، التفات، ادماج، جناس و تناسب است. و نکته ی جالب، آنکه شعر او علی رغم تمام این کنایات و استعارات و تلمیحات دچار غموض و پیچیدگی های غیر طبیعی و خسته کننده نشده است.

او در اشعار مرثیه خود گاه به وصف ستم هائی که بر خاندان سیدالشهداء رفت و بیان مظلومیت های ایشان و خاندان و یارانشان می پردازد و گاه دلاوری هایشان را به رخ میکشد و در انتقال هر یک از این دو موضوع به دیگری بسیار ماهرانه و در اوج زیبایی عمل می کند.

الفاظ شعر کواز لطیف و ترکیب های آن مستحکم است او در صورت پردازی نیز نوآور است و این صفات در سه قصیده ی مذکور در این رساله هویدا می باشد.

قصائد و تک تک ابیاتی که از عمق جان این شاعر حله جوشیده است، اخلاص و طهارت درون صاحبش را فریاد می کند.

غفرالله له و لنا

فصل سوم : رثاء

۱-۳ تعريف رثاء

۲-۳ انواع رثاء

الف) ندب

ب) تأييد

ج) عزاء

۳-۳ رثاء الحسين

۳-۱ تعریف رثاء

رثی برثیه رثیاً و رثاء و مرثیه به معنی گریستن بر مرده و برشمردن فضائل او، و همچنین سرودن شعر در مورد اوست. (فراهیدی، ۱۴۰۵، ق، ۲۳۴/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۷، ق، ۳۰۸/۱۴؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ۱/۱۷۵)

رثا از صادق ترین اغراض شعری به حساب می آید و از جادوانه ترین آثار شعر عرب از جاهلیت تا کنون است چرا که از دل های سوخته و عواطف سرشار سرچشمه می گیرد.

حنالفاخوری درباب مرثیه می گوید:

رثاء در لغت، گریستن بر مرده، همراه با ذکر محاسن و خوبی و سخن گفتن از دیگر محامد و خوبی های شخص یا اشخاص متوفا است و در ادب عرب، به معنی گریه بر مرده و تشییع جنازه در نزد عرب بیابان نشین به کار رفته و این در حالی بوده است که خویشان و بستگان او همگی به دنبال جنازه او به حرکت درمی آمده اند و زنان در ماتم او نوحه و زاری می کرده اند، خاک و خاکستر بر سر و روی می ریخته اند و گریبان چاک می کرده اند و با صدای بلند محاسن او را ذکر می کرده اند و این رثا را با مدح و تهدید و خونخواهی در موارد احتمالی همراه می ساخته اند. (الفاخوری، ۱۴۲۷، ق، ۱/۱۶۴)

۳-۲ انواع رثاء

طبیعت رثا با توجه به نسبت شاعر با مرده و شخصیت او در طول زندگی تقریباً متفاوت می باشد. همچنین رثا با توجه به مقدار سهمی که از عاطفه و احساس حزین دارد و هدفی که مرثیه آن را دنبال می کند، به سه دسته تقسیم می شود:

۱) رثای عاطفی یا ندب (۲) تأبیین (۳) رثای حکمی یا عزا.

ممکن است که شاعر در مرثیه خود هر سه نوع را با یکدیگر جمع کند، اما به طور کلی آوردن ندب و تأبیین در مرثیه ها بیشتر به چشم می خورد.

حال در ادامه به شرح و توضیح انواع سه گانه ندب، تأبیین و عزا به طور مجزا پرداخته می شود.

الف «ندب»